



فصلنامه جمعیت زنان جمهوری اسلامی ایران - سال دوم شماره ۷ - پائیز ۷۰ - قیمت ۴۵۰ ریال - ۸۸ صفحه

کمونیسم؛ تجربه تلخ بشریت

عوامل موثر
در بزهکاری زنان
و مسئولیت ما



رئیس شورای زنان آذربایجان شوروی:

● پیام امام به گورباچف حقیقتی بود که خیلی زود بر همه معلوم شد

فروپاشی کمونیسم در مهد پرورش ۷۰ ساله آن - شوروی - بیش از هر چیز منجر به بازگشت به خویشتن خویش در میان ملیتهای مختلف این کشور بزرگ و احیای مذهب در ضد مذهب ترین کشور جهان شد.

در بخش وسیعی از جنوب شوروی، جمهوریهای مسلمان نشین قرار گرفته اند که ملیتهای ترک، ترکمن، قزاق، قرقیز و ازبک آن غیر از همبستگی های ایدئولوژیکی، رابطه ای دیرینه و عمیق با فرهنگ غنی ایران و زبان فارسی دارند. دین، زبان و مشاهیر ادب و فرهنگ مشترک میان مردم این جمهوریها و ملت ایران و فروپاشی نظامی که بیش از نیم قرن مانع ابراز هویت واقعی فرهنگی - مذهبی آنان می شد دست به دست هم داد تا پیوندهای موجود میان ملت ایران و مسلمانان شوروی هر چه عمیقتر گردد.

از این رو در مدت زمان کوتاهی پس از انجام اصلاحات اخیر آقای گورباچف شاهد ابراز علاقه مردم مسلمان شوروی در جمهوریهای هم مرز با ایران نسبت به اسلام و انقلاب اسلامی مردم ایران بودیم. این ابراز علاقه ها به تدریج منجر به برقراری و تقویت رابطه میان جمهوریهای مسلمان نشین شوروی و ایران گردید.

چندی قبل هیأتی از زنان آذربایجان شوروی به دعوت جمعیت زنان به ایران سفر کرد. در خلال این سفر ده روزه فرصتی دست داد تا با خانم پرفسور «زمفیره وردیر» رئیس هیأت گفتگویی پیرامون فعالیت های زنان آذربایجان شوروی انجام دهیم. پرفسور «زمفیره» استاد زبانهای خارجی در باکو، عضو پارلمان آذربایجان و رئیس شورای زنان این جمهوری است آنچه در ادامه می خوانید گفتگوی خبرنگار ما با اوست:

ندا: شورای زنان آذربایجان شوروی چگونه تشکیلاتی است؟ چند عضو دارد و نوع فعالیت آن چیست؟

شورای زنان از سال ۱۹۲۱ تشکیل شده است که زیر نظر شورای زنان مسکو اداره می شد ولی از یک سال

ونیم قبل، که آذربایجان از شوروی استقلال یافت زنان آذربایجان، از من خواستند رهبری شورا را بپذیرم و چون زنان آذربایجان، روزهای سختی را می گذراندند و بسیاری از آنها، فرزندان شان شهید شده بود و هر روز بر جمع شهدا افزوده می شد آنها، احتیاج به کمکهای

تاکنون انجام داده‌اید، مثلاً ارتباط شما با جمعیت‌های زنان در سایر کشورها چگونه است؟

در این مدت کوتاه که از فعالیت‌مان می‌گذرد با چند کشور ارتباط برقرار کرده‌ایم که، یکی از آنها کشور ترکیه است. ما از خانم اوزال که خود، رهبر جمعیت زنان ترکیه می‌باشد دعوت به عمل آوردیم و در سفر به باکو، با ایشان قرارداد بستیم که هر سال ۳۰ نفر از خانمهای شورای زنان ترکیه به آذربایجان و ۳۰ نفر از زنان ما، به ترکیه سفر کنند تا از نزدیک با یکدیگر ارتباط و همکاری داشته باشیم. ضمناً، به منظور مبادله فرهنگی، با شورای زنان در کشورهای مصر، انگلستان و عراق قراردادهایی بسته‌ایم تا در هر سال از کشورهای مصر و انگلستان ۶ نفر و از عراق ۳ نفر به آذربایجان شوروی و متقابلاً همین تعداد از کشور ما به این کشورها سفر کنند. در قراردادمان با ایران، این تعداد نامحدود است و مراوده‌ها باید بسیار نزدیک بوده و مدت و تعداد رفت و آمدها بین دو کشور نامحدود باشد.

ندا: بعد از انحلال حزب کمونیست، فعالیت‌های شما به چه میزان افزایش یافته است؟

شورا، قبلاً دولتی بوده است؛ ولی بعد از استقلال، اخیراً مشغول برنامه‌ریزی هستیم. به عنوان مثال، قبلاً برای این گونه برنامه‌ها، افراد را دولت معرفی می‌کرد ولی در حال حاضر، این گروه که همراه من آمده‌اند با انتخاب خود من بوده و هیچ کس دخالتی نداشته است.

ندا: چگونگی حضور زنان و وضع اجتماعی آنان در آذربایجان شوروی را تشریح کنید؟

در آذربایجان، زنان پایه‌پای مردان مشغول کار هستند و اکثراً، در کارهای اجتماعی شرکت دارند. زنان علاقه بسیاری به کار خارج از منزل دارند و این گروه که همراه من هستند بدون دریافت حقوق در شورا کار می‌کنند؛ چون همه دارای پستهای مهم و یا دارای درآمد



مادی و روحی بسیاری داشتند؛ به همین دلیل، من تقاضای آنها را پذیرفته و این مسئولیت را قبول کردم و چون زنان شورا که با ما همکاری می‌کنند غیر از باکو در شهرهای مختلف آذربایجان نیز به طور پراکنده فعالیت دارند، دقیقاً تعداد آنها را نمی‌دانم.

ندا: اهداف این شورا چیست؟

اهداف این شورا، آشنا کردن زنان دنیا با یکدیگر، برقراری ارتباط میان آنان، رساندن صدای آنان به دنیا، ارتباط فرهنگی و همکاری برای صلح و دوستی است. ما معتقدیم، اگر خانواده‌ها و بخصوص زنان، فرزندان خود را خوب تربیت کنند دنیا پر از صلح و دوستی خواهد شد. مادران و فرزندان در هر کشوری، با مادران و فرزندان دیگر نقاط دنیا تفاوتی ندارند. زیرا، هرکجا مصیبتی بر سر فرزندی آید همه مادران دنیا برای آنان متأثر می‌شوند و یا اگر شادی باشد همه مادران دنیا شاد می‌شوند؛ چون احساس مادری، در میان همه مادران یکی است و فرزند دیگری، همانند فرزند خودشان می‌باشد.

ندا: در بُعد برون‌مرزی، چه اقداماتی را

در خارج از منزل هستند و مسائل مادی آنان حل شده و مشکلی ندارند.

ندا: در مورد پیام تاریخی حضرت امام به گورباچف و پیش‌بینی‌های آن حضرت در مورد کمونیسم و به نتیجه رسیدن آن چه نظری دارید؟

نظر من این است که این، حقیقتی بود که خیلی زود معلوم شد. امروز ما با چشم خود دیدیم که نظر ایشان چقدر صحیح و درست بوده و خود گورباچف هم تصدیق نمود که این نظریه درست بوده است و کمونیسم در جهان نخواهد ماند. من عقیده دارم خانم دباغ که نماینده حضرت امام بوده‌اند یک نامه به گورباچف بنویسند و این مسئله را تذکر دهند که نامه امام، در آن زمان چگونه عملی شد و توجه به آن مطالب را دوباره تأکید نمایند و بگویند آن چه امام در آن نامه نوشتند یک حقیقت محض است و به بقیه گفته‌های ایشان نیز باید توجه شود تا به نتیجه‌ای مطلوب برسد.

ندا: حضور زنان ایرانی را در اجتماع چگونه می‌بینید؟

من نظر خود را نسبت به این موضوع، بارها از بدو ورود تا به حال گفته‌ام و در سخنرانی‌هایم نیز اشاره کردم که زنان ایرانی برخلاف تبلیغات غرب، در سطوح بالای اجتماع مشغولند. می‌توانم خانم زهرا مصطفوی، خانم دباغ و خانم مهرآزما گرجی را برای صحبت خودم حجت و دلیل قرار دهم و من در این مسافرت، علاوه بر آنان با خانم‌های زیادی روبرو شدم که دکتر و مهندس و استاد دانشگاه بودند و یا در مشاغلی مانند آنها مشغول به کار بودند.

ندا: از سفر به ایران چه ره‌آوردی داشتید؟

آنچه که ما دانستیم و دیدیم این بود که ایران بعد از انقلاب، نسبت به قبل از انقلاب و زمان شاه، از نظر فرهنگی و عمرانی پیشرفتهای چشم‌گیری کرده و از همه مهمتر، فهیدیم که زن قبل از انقلاب، برای شرکت در

کارهای اجتماعی شخصیت واقعی خود را نداشته و جز مثنی تظاهر و شخصیت‌های کاذب و دروغین، که در اثر تبلیغات سوء غربیها به او داده بودند به حق فردی و اجتماعی خود نرسیده بود. ولی امروز، در عین اینکه همه از پوشش اسلامی یا چادر استفاده می‌کنند ولی نقش آنها در مجامع علمی و فرهنگی و سیاسی بسیار ارزنده است. بین زنان و مردان در پیشبرد کارهای اجتماعی، بخصوص در شغل‌های بسیار بالا چندان فرقی نیست؛ ما هرکجا رفتیم زنان را بیشتر از مردان در رأس دیدیم. مثلاً، مرکز کامپیوتر را دیدیم که در رأس آن یک خانم بود که مدیریت آنجا را داشت؛ یا در یکی از دانشگاه‌های تبریز، رئیس دانشگاه یک خانم با چادر و لباس اسلامی بود. من می‌خواهم بگویم که شخصیت زن ایرانی را اول در وجود خانم مهرآزما گرجی دیدم که به استقبال ما در آستارا آمد و در این سفر، تا برگشت به آستارا به همراه ما بودند. ایشان بهترین الگوی زن مسلمان بودند.

ندا: آشنایی با جمعیت زنان، تا چه حد توانسته است برای شما مفید باشد؟ و اگر پیامی برای زنان دارید بفرمایید؟

آشنایی با خانم‌های عضو جمعیت زنان، ما را شیفته آنان کرد. این دیدار باعث شد که در آینده، رفت و آمدهای زیادی داشته باشیم. من از خانم مصطفوی دعوت کردم که همراه با خانم‌های جمعیت، در آینده نزدیک به آذربایجان بیایند و ایشان این افتخار را دادند که دعوت را پذیرفتند و از این جهت بسیار خوشحالم. من از خدا می‌خواهم خانم‌های ایرانی همیشه در صلح و صفا زندگی کنند و امنیت خاطر داشته باشند که بتوانند اول با زنان آذربایجان دست به دست هم دهند و سپس با تمام زنان دنیا در رابطه باشند تا بتوانند به حق خودشان برسند. من می‌خواهم بگویم که از الطاف خانم زهرا مصطفوی بود که ما به هم وابسته شدیم. ما از دعوت و پذیرائی ایشان بسیار متشکریم و آرزوی دیدار خانمها را به اتفاق خانم مصطفوی در باکوداریم.